

بررسی و نقد ادله نفی واثبات

بررسی و نقد ادله نفی

1. ادله قرآنی

الف) بررسی و نقد استدلال به آیه : «الرجال قوامون على النساء» در گذشته¹ وجه استدلال به آیه معلوم شد و جان استدلال به این بود که : «القيومة بمعنى الولاية و تكون عامة لجميع الشؤون و ليست مختصة بالزوجية و يكون المراد من التفضيل جعل الفضيلة له تشريعاً و تكويناً».

این استدلال سه نکته را مسلم گرفته تا به مطلوب مورد نظر خود رسیده است؛ بدین ترتیب:

مفاد آیه انشاء است نه خبر.

قیمومت در آیه به دلیل تأدیه آن به «علی» نه به «باء» به معنای ولایت، تسلط در تدبیر و تأدیب و... بر همه شئون است.

مراد از رجال و نساء شوهران و همسرانشان نیستند، بلکه صنف مردان و زنان مراد است.

برای وقوف بیشتر بر مفاد آیه لازم است، به کل آیه و آیه بعد توجه شود؛ بدین قرار :

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا».²

نقد

در دلالت آیه بر مراد در هر سه مرحله ای که گذشت، ملاحظات و وارد شده یا قابل ورود است. می توان به ترتیب گفت :

1. این احتمال در آیه وجود دارد که خداوند از عهده داری مردان نسبت به امور زنان در تکوین خبر می دهد و خروج و عدم اعتنا به این احتمال وقتی میسر است که قوام به معنای صاحب ولایت و تسلط شرعی معنا شود و الا این احتمال مدافعی ندارد. این احتمال، وقتی موجه تر رخ می نماید که آن را مقدمه و زمینه برای دستورات بعد در آیه به حساب آوریم.

1. ص 188.

2. سوره نساء : 34 و 35.

2. تفسیر قیومت به آن چه در استدلال گذشت، و با آن گستره، یکی از تفاسیر و برداشت‌های محتمل از آیه و این واژه است و الا برای این فرضیه رقیب دیگری هم وجود دارد.

برخی از نویسندگان فرضیه رقیب را این گونه ارائه داده‌اند :

«...گروهی از لغویها، عهده داری و مسئولیت در نظریه دیگر، گروهی از لغوی‌ها و مفسران، «قوام» را به معنای مدیریت و یک مسئولیت صرفاً اجرایی دانسته‌اند و بر این اساس مرد بر زن هیچ گونه ولایتی ندارد و قیومت در آیه مورد بحث به معنای این است که در روابط زناشویی، مرد در مقابل همسرش مسئول و مراقب است و باید نسبت به کارها و نیازهای وی قیام و اقدام نماید : و قوله تعالی : «الرجال قوامون علی النساء» یعنی برای پرداخت نفقه به آنها و مراقبت از آنها قیام می‌کنند. گاهی قیام به معنای محافظت و اصلاح می‌آید و این گونه است سخن خداوند که فرمود : «الرجال قوامون علی النساء» و قوله تعالی : «الا ما دمت علیه قائماً» ای ملازماً محافظاً. همانند این معنا در لسان العرب نیز آمده است. ابن منظور آیه مورد بحث را به عنوان شاهد بر این معنا ذکر کرده است و می‌گوید : «قیم المرأة یعنی: زوج المرأة؛ زیرا مرد به زن و نیازمندیهای او قائم است. ایشان در جای دیگر می‌گوید : قیم زن، شوهر اوست؛ زیرا مرد به احتیاجات زن خود قیام می‌کند و این که در قرآن عزیز فرموده است : «الرجال قوامون علی النساء به این معناست (و الله اعلم) که مردان متکفل نیازهای زنان و کمک کار آنها در نیازهایشان هستند».³

این گروه معتقد نیستند که تعدی «قوامون» به «علی» معین وجه اول از دو وجه مورد اشاره در آیه باشد؛ به همین خاطر کسی نسبت به کریمه : «وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا»⁴

با این که ماده قیام با «علی» متعدی شده است، احتمال ولایت را نداده است. همچنین در کریمه : «افمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت»⁵ قائم به معنای مراقب آمده است.

از همه این امور که بگذریم : آیه یا مخصوص شوهران و همسران است یا شوهران و همسران را نیز در بر می‌گیرد، در هر دو حال ولایتی به معنای مطلق، مردان بر زنان ندارند و کلماتی در تفسیر آیه به مثل : «یقومون علیهن آمرین ناهین، كما یقوم الولاة علی الرعايا و سموا قوماً لذلك»⁶، اگر اطلاق آن مراد باشد ملتزم به فقها و قابل دفاع فقهی نیست.

3. بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی، ص 139 و 140.

4. آل عمران : 75.

5. رعد : 33.

6. الکشاف، ج 1، ص 505.